

گفت و گو با ژان کلود ون دام، بازیگر مشهور سینمای اکشن معتقد به اکشن واقعی هستم!



«ژان کلود ون دام» یا «جان کلود ون دام» با نام شناسنامه‌ی «جان کلود کامیل فرانسیس ون وارنبرگ» معروف به «فرانکی» در تاریخ هجدهم اکتبر ۱۹۶۰ در سنت آگاتا برخم واقع در شهر بروکسل بلژیک به دنیا آمد. او را بیش‌تر به خاطر استعدادش در هنرهای رزمی و بازی در فیلم‌های اکشن می‌شناسند. به خاطر فیزیک بدنی‌اش، او را «عضلات بروکسل» نامیده و هم‌چنین به جهت سوپر استار شدن در فیلم‌های بین‌المللی، لقب «پادشاه بلژیکی‌ها» را به او داده‌اند. هر چند در سالیان اخیر ون دام به دلیل عدم انتخاب صحیح کارهایش چندان که باید در صحنه‌ی اول هالیوود حضور ندارد ولی این موضوع دلیلی بر آن نیست که از توانمندی‌های فراوان او در خلق صحنه‌های مهیج فیلم‌های اکشن چشم‌پوشی کنیم. ژان کلود ون دام از دوازده‌سالگی آموزش هنرهای رزمی را تحت نظر «کلود گونتز» آغاز کرد و خیلی زود استعداد وافر خود در این زمینه را نشان داد و مدارج ترقی را پیمود. او هم‌زمان با تمرینات رزمی خویش، در چند دوره مسابقات ورزش‌های رزمی هم شرکت کرده و عناوینی را نیز کسب نمود. ون دام برای بازی در فیلم‌های سینمایی ابتدا به هنگ‌کنگ رفته و مدتی بعد آن‌جا را به مقصد لس آنجلس ترک کرد. در لس آنجلس برای گذران زندگی‌اش به همه کاری از رانندگی گرفته تا پخش پیتزا دست زد تا این‌که سرانجام با نام «چاک نوریس» آشنا شده و به واسطه‌ی وی در فیلم «اکشن فراموش‌شده» ایفای یک نقش کوتاه را بر عهده گرفت اما در قالب این نقش کوتاه نتوانست توانایی‌های فراوان خویش را به رخ بکشد! پس از این ون دام توانست در فیلمی کم‌هزینه با نام «عقب‌نشینی نمی‌کنم، تسلیم نمی‌شوم» در قالب یک شخصیت خشن بازی کند. مدتی بعد از اکران این فیلم بود که به واسطه‌ی آگهی انتخاب بازیگر برای فیلم «رینگ خونین» جذب این پروژه شد و موفق گردید در این فیلم که بخش‌هایی عمده از آن در هنگ‌کنگ فیلمبرداری می‌شد، خودی نشان دهد. «سیبورگ»، «شیردل»، «عقاب سیاه»، «کیک بوکسور»، «اثر دوگانه» و «سرباز جهانی» فیلم‌های بعدی او بودند که با استقبال فراوان مخاطبان جوان‌تر سینما روبه‌رو شده و رفته‌رفته ون دام را به عنوان یک اکشن‌کار موفق شناساندند! ون دام در چند سال اخیر در فیلم‌هایی مانند «درخواست»، «در جهنم»، «از خط خارج شده»، «سیناف» و «جی سی وی دی» ایفای نقش کرده که متأسفانه هیچ کدام از این کارها موفقیت آثار پیشینش را تکرار نکرده‌اند!

پس اعتقاد راسخ به زنده بودن تمامی صحنه‌ها دارید؟
همین‌طور است. در تمام فیلم‌هایم تا جایی که توانستم همه‌ی حرکات را خودم انجام داده و از حضور بدلکاران جلوگیری کرده‌ام! در فیلم اخیرتان «جی سی وی دی» شخصیتی متفاوت دارید که کم‌تر از شما دیده‌ایم!
بله، در این فیلم نقش یک سوپر استار را بازی می‌کنم که هم درگیر مشکلاتی با اداره‌ی مالیات است و هم بر سر حضانت دخترش با همسرش مشکل دارد ...
... و همه‌ی این‌ها باعث می‌شود که او یک بار دیگر اوج بگیرد! او یک پیشنهاد خوب بازیگری دریافت کرده و سعی می‌کند از این پیشنهاد بهترین استفاده را ببرد.
خط داستانی فیلم کمی تکراری نیست؟
ما با یک درام اکشن - جنایی روبه‌رویم و از این لحاظ فکر نمی‌کنم تکرار زیادی را در فیلم شاهد باشیم، چرا که در جی سی وی دی داستان فیلم تنها بستری برای مرتبط کردن قضایا با یکدیگر است.
آیا مسئله‌ی که عنوان کردید، یعنی در حاشیه قرار گرفتن قصه، بایستی در تمامی اکشن‌ها رعایت شود؟
من اصلاً از در حاشیه قرار گرفتن داستان چیزی نگفتم و فقط به

شما یا در حال بازی در فیلم هستید و یا در تعطیلات به سر می‌برید، این‌طور نیست؟
این برنامه‌ی همیشگی زندگی من بوده است. در طول بیست سال اخیر کم‌تر برایم پیش آمده که شش ماه پشت سر هم بیکار بوده باشم. عموماً سالی سه فیلم کار می‌کنم و برخی اوقات حتی چهار تا!
از این عنوان جدید «کیک بوکسور» که به شما نسبت داده‌اند، خوشتان می‌آید؟
من سال‌هاست که در سینمای اکشن فعالیت دارم اما هیچ چیز جلوی ریسک کردن آدم‌ها را نمی‌گیرد. البته از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر جهش داشتن کار آسانی نیست؛ مردم رویتان برجسب می‌زنند ولی من درصدد جدا شدن از این برجسب‌ها نیستم، چون این برجسب‌ها هیچ دلیلی بر پایین بودن کیفیت کار من نبوده و برعکس نمایانگر آن است که من توانسته‌ام به عنوان یک اکشن‌کار واقعی جلوه کنم!
منظور اصلی‌تان از لفظ اکشن‌کار واقعی چیست؟
ببینید، من هنرهای رزمی را در خدمت سینما به کار گرفته‌ام، یعنی این‌که هیچ‌گاه ضربات پایم را بی‌هدف رها نمی‌کنم و این چیزی جز اکشن واقعی نیست!



در اوج موفقیت بودن لذت بخش است اما هرگز نباید فراموش کرد که به لطف مردم است که شما می‌توانید ثروتمند و در اوج باشید! بدون مردم شما هیچ چیز نیستید!

هیچ وقت از این که نقشی را رد کرده‌اید، تنها به دلیل آن که با گونه‌ی شما متفاوت بوده است، افسوس خورده‌اید؟

می‌دانید، من در گونه‌ی فعالیت می‌کنم که باعث تثبیت من شده است؛ نمی‌گویم اشتباه نداشتام، بلکه نقش‌هایی هم داشته‌ام که انتخابشان اشتباه بوده است. هم‌چنین بارها شده که یک پیشنهاد خوب را رد کرده‌ام ولی زندگی همین است دیگر.

قبول دارید که سهم عمده‌ی از شهرت خود را مدیون سینمای اکشن هستید؟

همین‌طور است. من در سینمای اکشن همیشه به عنوان قهرمانی دوست‌داشتنی با رفتارهایی جذاب و قابل قبول تأثیر ویژه‌ی روی بینندگان گذاشته‌ام!

از چه سنی مسیرتان را پیدا کردید؟ خیلی زود. با اولین گام‌هایی که برمی‌داشتیم! پدرم همیشه مرا به سینما می‌برد. همیشه در سالن سینما دوست داشتم بازیگر بشوم. بعد از آن هم تمرینات هنرهای رزمی و کیمونوی سفید بود که خیلی زود مرا به سینما کشاند.

آیا به آمریکا آمدید تا به رویای فیلم‌بازی کردن جامه‌ی عمل بپوشانید؟ بلکه؛ باور کنید من قبل از هر چیز به سینما فکر می‌کردم. «بروس لی» کودکی من و خیلی چیزهای دیگر را در خود حل کرد. او افراد بسیاری را به سالن‌های تمرین کشاند. فکر می‌کنم نقاط مشترک بسیاری با او دارم.

در طول دوران زندگی‌تان همواره از چه چیزی ترسیده‌اید؟ گرسنگی و اغلب ترس از آن که نتوانم نیازهای خانواده‌ام را برآورده کنم. بارها پیش آمده بود که من از همه کس و همه چیز دور بودم و هیچ‌کس نمی‌توانست کمکم کند و در این وضعیت فقط باید روی خودم حساب می‌کردم.

فکر می‌کنید اگر بازیگر نمی‌شدید چه شغلی را انتخاب می‌کردید؟ اگر بازیگری را در پیش نمی‌گرفتم، دوست داشتم جراح بشوم؛ همواره بدن انسان برایم عجیب و جالب بوده است! ■

داستان به عنوان عامل وابسته کردن روند حوادث اشاره کردم! آیا در زندگی عادی هم از الگوهای داستانی فیلم‌هایتان بهره‌می‌برید؟ تا جایی که امکان داشته باشد بله، به‌خصوص زمانی که داستان فیلم بر مبنای یک ماجرای واقعی نگاشته شده باشد!

هیچ‌گاه شده که از ستاره بودن‌تان برای حل مشکلات شخصی استفاده کرده باشید؟

اگر منظورتان استفاده از هنرهای رزمی برای ادب کردن مزاحمان است که خیر! من هیچ‌گاه از توانایی‌هایی که دارم سوءاستفاده نکرده‌ام!

اما خیلی از منتقدان از سرد بودن روابط اجتماعی شما سخن گفته‌اند! شرافت متکی بر صراحت دلیل اصلی زندگی است و من در رابطه با اطرافیانم سعی کرده‌ام همیشه از همین اصل استفاده کنم. این بهترین دارو است و راهی برای کم کردن فاصله‌ها وقتی که شما در دسترس نیستید.

اما همین صراحت سبب شده بارها با نامالیفات بسیاری روبه‌رو شوید!

من همه‌ی حرف‌هایی که درباره‌ام زده می‌شود را می‌شنوم و گاهی به هم می‌ریزم. چه قدر هولناک است که نیاز داشته باشیم دیگری را بشکنیم و از بین ببریم و چه راحت است خرد کردن یک تصویر با یک ضربه! البته من هم در این زمینه بی‌تقصیر نبوده‌ام و گاهی در دام مصاحبه‌های زرد می‌افتم ... در هر صورت من نمی‌خواهم و نمی‌توانم مدام در حال سنگ پرتاب کردن به این و آن باشم اما اگر گروهی از روزنامه‌نگارها دوست دارند، می‌توانند به عنوان یک شغل این کار را انجام دهند؛ برعکس آن‌ها، من خودم را می‌شکنم نه دیگری را!

برای رسیدن به موفقیت چه باید کرد؟ نباید در رویاهای زندگی کرد، بلکه باید رؤیایا را زنده کرد! قبل از هر چیز باید به خودمان خوب فکر کنیم و ایمان بیاوریم. اگر به خودتان ایمان نداشته باشید، چه کار می‌توانید انجام دهید؟ هر روز به جلو رفتن فکر کنید! هرگز از این فکر غافل نشوید. به بهترین بودن بیندیشید که خود انرژی‌زاست!

مخاطبان در این میان چه نقشی دارند؟